



کمک نقدی سازمان ملل برای بازسازی خانه‌های ویران شده در کاپیسا!

آسیب‌دیده‌گان: کافی نیست



کمیته ناروی برای افغانستان در همکاری مالی با دفتر هماهنگ کننده کمک‌های بشری سازمان ملل متحد، روند توزیع پول نقد برای بازسازی شماری از خانه‌های رهائشی که در جریان نبردها میان طالبان و نظامیان حکومت پیشین در ولسوالی نجراب کاپیسا تخریب شده‌اند، را آغاز کرده است. بر بنیاد آمارهای نشرشده، تا کنون به حدود ۵۰۰ خانواده در ولسوالی نجراب از سوی این کمیته کمک شده است. مقام‌های محلی طالبان می‌گویند که به هر خانواده زیان‌مند با توجه به میزان خسارات خانه‌هایشان...

۳



زورگویی طالبان با جهان!

جامعه جهانی مجبور است با ما تعامل کند

۳

اوج‌گیری هند و سیر قهقراپی پاکستان

۶

سازمان ملل: از هر پنج افغان دو تن با سطح بالایی از ناامنی غذایی حاد روبه‌رویند

این در حالی است که کاهش کمک‌های بین‌المللی همزمان با بحران اقتصادی و اوج بیکاری در افغانستان، بیشتر شهروندان بی‌بضاعت کشور را نگران کرده است. پیش از این نیز نهادهای کمک‌رسان همواره از وضعیت وخیم بشری شهروندان ابراز نگرانی کرده‌اند. با روی کار آمدن طالبان و افزایش بیکاری، سطح فقر در کشور افزایش داشته و شهروندان را مجبور به مهاجرت‌های غیرقانونی نیز کرده است.

صبح، کابل: بخش خوراکی و زراعت سازمان ملل متحد گفته است که از هر پنج افغان دو تن آنان با سطح بالایی از ناامنی غذایی حاد روبه‌رویند. بخش خوراکی و زراعت سازمان ملل متحد روز یکشنبه، ۱ اسد، با نشر گزارشی اعلام کرده است که برای کمک به هشت میلیون تن در افغانستان در سال روان میلادی، به بیش از ۲۵۲ میلیون دالر نیاز دارد. به گفته این نهاد، هنوز شوک‌های اقلیمی، سیاسی و اقتصادی در افغانستان ادامه دارد.



سیلاب راه پنج ولسوالی را با مرکز بدخشان مسدود کرده است

صبح، بدخشان: منابع محلی در بدخشان می‌گویند که در پی سرازیر شدن سیلاب‌ها در این ولایت، راه مواصلاتی پنج ولسوالی با مرکز این ولایت مسدود شده است. منابع روز یکشنبه، ۱ اسد، می‌گویند که شب گذشته در نتیجه سرازیر شدن سیلاب‌ها در روستای خوند از مربوطات ولسوالی شکی، راه ولسوالی‌های شکی، نسی، کوف‌آب و مایمی بدخشان با فیض‌آباد، مرکز این ولایت مسدود شده است. منابع می‌افزایند که تا کنون هیچ اقدامی برای بازگشایی این جاده از سوی طالبان در بدخشان نشده است. بندش راه‌های این ولسوالی باشندگان ولسوالی‌های دروازه‌های بدخشان را به مشکل جدی روبه‌رو کرده است. بدخشان از ولایت‌های کوهستانی است که همواره حوادث طبیعی از مردم تلفات جانی گرفته و باشندگان این ولایت را دچار خسارات مالی نیز کرده است.



۷ صفحه

چه‌گونه می‌توان مشکلی مانند طالبان را حل کرد؟

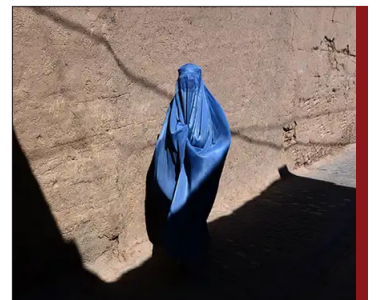
پیام تندى که فرماندهان ارتش پاکستان روز دوشنبه هفته گذشته به کابل دادند، حاکی از ناامیدی مقام‌های عالی‌رتبه آن کشور...



۵ صفحه

بادل گران و دست تنگ در نقای زیستن

زمختی و پوست پاره‌پاره شده دستانش نشان از کار زیاد و زنج فراوان می‌دهد. با نگاهی به دستانش، می‌توان به اندوه سینه‌اش پی برد...



جبهه مقاومت ملی: طالبان با وضع محدودیت بر مراسم محرم به اختلافات مذهبی دامن می‌زنند

گذشته بدون محدودیت در افغانستان برگزار می‌شد. جبهه مقاومت ملی، از امام سوم شیعیان به‌عنوان «الگوی مبارزه با ظلم و نابرابری در برابر استبداد حاکمان» یاد کرده و افزوده است که مسلمانان با گرمی‌داشت از عاشورا، تعهد خود را در مبارزه با ظلم و استبداد حاکمیت‌های «نامشروع دینی» تجدید می‌کنند.



گفتنی است که طالبان بر مراسم محرم، به‌ویژه در منطقه غرب کابل محدودیت وضع کرده‌اند. طالبان به شیعیان گفته‌اند که در چند حسینیه و تکیه‌خانه محدود، مراسم عزاداری برگزار کنند. طالبان هدف از این محدودیت‌ها را تامین امنیت عنوان کرده‌اند، اما شورای علمای شیعه افغانستان خواستار لغو این محدودیت‌ها شده است.

صبح، کابل: جبهه مقاومت ملی در واکنش به وضع محدودیت‌های طالبان به برگزاری مراسم محرم اعلام کرد که طالبان به «اختلافات و تبعیض مذهبی» دامن می‌زنند. این جبهه ناوقت روز یکشنبه، ۱ اسد، با نشر اعلامیه‌ای وضع محدودیت‌ها بر مراسم محرم را محکوم کرده گفته است که این مراسم در



تقدم فرهنگ بر سیاست؛ تجربه واصف باختری

با درگذشت شاعر و ادیب بزرگ افغانستان، واصف باختری، زوایای گوناگونی از کار و کارنامه ایشان مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفت، از جمله پیوند وی با سیاست و تجربه او در این عرصه. او در جوانی به اندیشه‌های چپ‌گرایش داشت و یکی از چهره‌های موثر در جریان شعله جاوید بود. در آن دوران، اشعار و اندیشه‌های او برای بسیاری از هواداران آن جریان، الهام‌بخش به شمار می‌رفت. جریان شعله جاوید نتوانست در قالب یک حزب منسجم ادامه حیات بدهد و طرفداران آن به‌زودی به چندین سازمان خرد و ریزه تقسیم شدند و باختری نیز علاقه‌اش به کارهای حزبی و تنش‌های سازمانی را از دست داد. او هر چند از کار تشکیلاتی به‌تدریج فاصله گرفت، اما پس از کودتای ثور دستگیر و زندانی شد و آن تجربه فرصتی پیش آورد تا نسبتش را با سیاست و کار سیاسی بازنگری کند. نتیجه تاملاتش این شد که پس از زندان از سیاست عملی برید و تمرکزش را بر کارهای قلمی، فکری، ادبی و فرهنگی نهاد و در این عرصه به یکی از چهره‌های موثر و ماندگار تبدیل شد.

واصف باختری تنها چهره صاحب‌وزن نیست که پس از یک دوره فعالیت سیاسی با این عرصه بدورد می‌گوید و به قلمرو فرهنگ کوچ می‌کند. نمونه‌های متعددی در افغانستان و نمونه‌های بیشتری در کشورهای همسایه، کشورهای عربی و سایر کشورهای دنیا هستند که به رغم پیشینه‌های ناهمگون چپ، راست مذهبی، لیبرال، ملی‌گرایی و مانند این‌ها، دست از سیاست کشیده و به کارهای فکری و فرهنگی پیوسته‌اند. نتیجه تاملات و یافته‌های این‌دست از چهره‌های سیاسی و پسان فرهنگی، این بوده است که فرهنگ بر سیاست مقدم است و امکان ندارد با فرهنگی رنجور، معیوب و نارسا بتوان کار سیاسی مفید و مهمی کرد. همان انشعاب‌ها، چنددسته‌گی‌ها، دشمنی‌ها و سپس تصفیه‌های حزبی که بارها به ترور و تصفیه‌های جسدی رقبا می‌انجامید، خود از نشانه‌های بارز یک فرهنگ بیمار است. این که طیف روشن‌فکر، مبارز سیاسی و فعال مدنی یک جامعه به فقدان آگاهی تاریخی گرفتار باشد و در اثر نداشتن درکی روشن از جامعه خود، نتواند مرزی میان واقعیت‌های درشت و خیالات موهوم ایدئولوژی‌بکش بکشد، نشان می‌دهد که در چه فرهنگ ناسالمی ظهور کرده و بالیده است. همین نابالغی فکری و فرهنگی است که نیروها را به جای گفت‌وگو و یافتن راه‌های همکاری برای سرنوشت مشترک، به ستیز و نبرد می‌کشاند و تاریخی خونین اما بی‌پهلو و بی‌معنا را رقم می‌زند.

ما اکنون در جایی ایستاده‌ایم که تجربه چندین نسل را پیش روی خود داریم، و اگر توان بازخوانی روش‌مند آن را داشته باشیم، درس‌های فراوانی برای آموختن خواهیم یافت. لازم نیست که سیاست و کار سیاسی را کنار بگذاریم، که این نه شدنی است و نه خواستنی، بلکه باید اولویت را به فرهنگ بدهیم و توان بیشتر خود را در راه اصلاح و بالنده‌گی آن صرف کنیم. فرهنگ دامنه‌ای وسیع دارد، از آموزش روش‌های یادگیری تا روش‌های اندیشیدن خلاق و انتقادی، تا بازنگری در منظومه ارزشی و هنجاری، تا چگونه‌گی زیست جمعی، تا چگونه‌گی تلاش برای آینده و هزاران کار نکرده دیگر. هرگاه اهمیت کار فرهنگی بر کار سیاسی افزون شد، می‌توان نشانه‌های تغییری معنادار را در افق زنده‌گی مردم ما پیدا کرد. این یکی از درس‌هایی است که از کارنامه واصف باختری می‌توان آموخت، و می‌توان دانست که چرا او نام او ماندگارتر از بسیاری از همگنان سیاست‌زده او خواهد بود.

طالبان: وضعیت بد اقتصادی در افغانستان ناشی از تحریم‌هاست



۸ صبح، کابل: دین محمد حنیف، وزیر اقتصاد طالبان، در دیدار با تاربا واتردال، رییس کمیته ناروی برای افغانستان گفته که وضع تحریم‌های اقتصادی و مسدود شدن ذخایر ارزی سبب گسترش فقر و بی‌کاری در کشور شده است. وزارت اقتصاد طالبان در بیانیه‌ای گفته است که این دیدار روز شنبه، ۳۱ سرطان، صورت گرفته است. براساس بیانیه، وزیر اقتصاد طالبان گفته که کمک‌های بشردوستانه به تنهایی نمی‌توانند مشکلات موجود اقتصادی در افغانستان را برطرف کنند. این مقام طالبان همچنان خواستار تطبیق

پروژه‌های انکشافی از سوی نهادهای بین‌المللی در افغانستان شده است. در همین حال، تاربا واتردال، در این دیدار گفته که کمیته ناروی برای افغانستان، با دو هزار کارمند داخلی و خارجی در بخش‌های آموزش، صحت و بازسازی در کشور مصروف کمک‌رسانی است. گفتنی است که پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، بیشتر شهروندان وظایف خود را از دست دادند و اکنون نیز زمینه برای اشتغال جوانان در کشور مساعد نیست. برپایه اطلاعات نهادهای جهانی، حدود ۹۰ درصد مردم افغانستان زیر سلطه طالبان، به‌شدت وابسته به کمک‌های جهانی هستند.

طالبان: طی چهار ماه گذشته ۲۱۴ تن در اثر حوادث طبیعی در کشور جان باخته‌اند



۸ صبح، کابل: وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث تحت مدیریت طالبان می‌گوید که طی چهار ماه گذشته ۲۱۴ تن در اثر حوادث طبیعی در کشور جان باخته و ۳۲۰ تن دیگر زخمی شده‌اند. شفیع‌الله رحیمی، سخنگوی وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث تحت مدیریت طالبان روز یکشنبه، ۱ اسد، در یک نشست خبری گفته است که در این مدت همچنان سه هزار و ۱۱۵ منزل تخریب شده‌اند. وی افزوده که در این مدت سه هزار و ۸۰۰ راس مواشی هم تلف شده و محصولات بیش از ۴۱ هزار جریب زمین نیز به‌گونه کامل از بین رفته است. به گفته او، بارنده‌گی و سیلاب از ۲۹ سرطان تا ۱ اسد هم خسارات هنگفت مالی و تلفات جانی وارد کرده است.

رحیمی تصریح کرده است که در این مدت در ولایت‌های کابل، میدان‌وردک، پکتیا، غزنی، خوست، کنر، نورستان و ننگرهار ۳۱ تن کشته، ۷۴ تن زخمی و ۴۱ تن دیگر ناپدید شده‌اند. سخنگوی دولت در امور رسیده‌گی به حوادث طالبان مدعی شده است که در همکاری با موسسه‌های بین‌المللی دست‌کم ۹۰ هزار خانواده را کمک کرده‌اند. این در حالی است که ریاست هواشناسی تحت مدیریت طالبان امروز از احتمال وقوع بارنده‌گی شدید، رعدوبرق و سیلاب‌های آبی در ۱۷ ولایت کشور هشدار داد.

یک پسر جوان در فاریاب پدرش را تیرباران کرد



۸ صبح، فاریاب: منابع محلی از تیرباران شدن یک مرد توسط پسرش در ولایت فاریاب خبر می‌دهند. منابع می‌گویند که یک پسر جوان به‌نام امیدالله صبح روز یکشنبه، ۱ اسد، با ضربه گلوله سلاح نوع کلاشینکوف پدرش را تیرباران کرده است. این رویداد در ولسوالی المار فاریاب رخ داده است. به گفته منابع، این پسر در حالی پدرش را به قتل رسانده که روز گذشته با وی مشاجره لفظی کرده بود.

طبق اظهارات منابع، این پسر پس از قتل پدرش از ولسوالی المار به سمت شهر میمنه فرار می‌کرد که توسط طالبان بازداشت شده و اکنون تحت بازجویی قرار دارد. مقام‌های امنیتی طالبان نیز با تایید این رویداد می‌گویند که متهم بازداشت شده، اما در مورد علت و انگیزه این رویداد چیزی نگفته است. گفتنی است که این چنین رویدادها در کشور بی‌پیشینه می‌باشد.

طالبان یک نظامی پیشین را پس از برگشت از ایران بازداشت کردند

۸ صبح، پنجشیر: منابع محلی در پنجشیر می‌گویند که طالبان یک نظامی حکومت پیشین را که باشنده این ولایت است، پس از بازگشت از ایران بازداشت کرده‌اند.

منابع روز یکشنبه، ۱ اسد، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این نظامی پیشین حدود یک هفته پیش از ولایت هرات توسط طالبان بازداشت شده است.

این فرد مشتاق امیری نام دارد و از باشنده‌گان ولسوالی دره ولایت پنجشیر است.

منابع به نقل از خانواده مشتاق می‌گویند که این نظامی پیشین پس از بازداشت از سوی طالبان، ناپدید شده است.

این در حالی است که طالبان از زمان حاکمیت‌شان به این‌سو، هزاران تن از شهروندان کشور به‌ویژه باشنده‌گان ولایت‌های شمال کابل را بازداشت و زندانی کرده و در بسا موارد به‌قتل رسانده‌اند.

در آخرین مورد، طالبان یک نظامی پیشین به‌نام فواد احمد را در کابل بازداشت کردند.



طالبان یک فرمانده پولیس محلی حکومت پیشین را در لغمان تیرباران کردند

۸ صبح، لغمان: منابع محلی در لغمان می‌گویند که جنگ‌جویان طالبان یک فرمانده پولیس محلی در حکومت پیشین به نام مجاهد را در داخل خانه‌اش کشته‌اند.

منابع به روزنامه ۸ صبح گفتند که این رویداد شنبه‌شب، ۳۱ سرطان، در روستای زیارت نورلام صاحب ولسوالی علینگار این ولایت، رخ داده است.

به گفته منابع، افراد طالبان پس از ترور این شخص از ساحه فرار کردند.

مجاهد در حکومت پیشین به‌عنوان فرمانده پولیس محلی در این ولایت بود، اما پس از به قدرت رسیدن دوباره طالبان هیچ‌گونه مسوولیتی نداشت.

مسوولان محلی طالبان در لغمان هنوز در این مورد چیزی نگفته‌اند.

براساس اطلاعات منابع، دو برادر مجاهد هم در زمان جمهوریت از سوی افراد طالبان کشته شده بوده‌اند.

به‌رغم اعلام عفو عمومی از سوی رهبر طالبان، اما جنگ‌جویان این گروه پس از تسلط دوباره‌شان بر افغانستان، همواره دست به بازداشت، شکنجه و قتل نظامیان پیشین می‌زنند.

این در حالی است که چند روز پیش نیز طالبان دو تن به‌شمول یک نظامی پیشین را که باشنده اصلی کاپیسا بود، در شهر کابل بازداشت کردند.





امین کوا

طالبان در دو سال گذشته، به مطالبات شهروندان، مخالفان سیاسی خود و جامعه جهانی مبنی بر ایجاد دولت فراگیر و رعایت ارزش‌های حقوق بشری، پاسخ منفی داده‌اند. این گروه، رژیم خود را همه‌شمول دانسته و تاکید کرده که در برابر ارزش‌های طالبانی کوتاه آمدنی نیستند. در تازه‌ترین مورد معاون سیاسی رییس‌الوزرای طالبان در نشست در دانشگاه کابل، گفته که در تطبیق ارزش‌های اسلامی «ذره‌ای» سازش را تحمل نمی‌کند. او تاکید کرده که جهان مجبور است با این گروه تعامل کند. در همین حال، سرپرست وزارت عدلیه این گروه که هفته گذشته در فهرست تحریم‌های اتحادیه اروپا قرار گرفته، رژیم طالبان را در جهان «بی‌مانند» توصیف کرده است. او حمایت از طالبان را حمایت از اسلام خوانده است. افزون بر او، سرپرست وزارت تحصیلات عالی این گروه، از استادان دانشگاه‌ها خواسته که گفتار و کردار خود را مطابق ویژه‌گی‌های علمای دینی طالبان عیار سازند. طالبان در دو سال گذشته زنان را از تمام عرصه‌های زندگی جمعی حذف کرده و حق آموزش، تحصیل و کار را نیز از آنان گرفته‌اند.

وزارت تحصیلات عالی طالبان روز شنبه، ۳۱ سرطان، نشست سهروزه را زیر نام «سمینار دینی-علمی» برای استادان ثقافت اسلامی، در دانشگاه کابل برگزار کرده است. در این نشست عبدالکبیر حقانی، معاون سیاسی رییس‌الوزرای طالبان و شماری از مقام‌ها، مبلغان و ملامامان این گروه، اشتراک داشته‌اند. مقام‌های طالبان در این نشست بر تطبیق ارزش‌های رژیم این گروه در افغانستان تاکید کرده و گفته‌اند که ذره‌ای از این ارزش‌ها عقب‌نشینی نخواهند کرد.

مولوی عبدالکبیر، معاون سیاسی رییس‌الوزرای طالبان، در سخنرانی خود ادعا کرده که شماری از استادان و دانشجویان نهادهای تحصیلی کشور در بیست سال گذشته در جنگ طالبان علیه دولت پیشین و نیروهای خارجی نقش داشته‌اند و در پیروزی این گروه سهیم‌اند. او همچنان تاکید کرده که رژیم طالبان «حاضر به معامله بر اصول اسلامی» با جهان نیست. این

زورگویی طالبان با جهان؛

جامعه جهانی مجبور است با ما تعامل کند

افغانستان هستند و نیاز به تعامل با آنان وجود دارد و دنیا مجبور به تعامل است، زیرا راه دیگری برای گفت‌وگو با کسی از جانب افغانستان ندارد.»

در همین حال عبدالحکیم شرعی، سرپرست وزارت عدلیه طالبان که به‌تازگی از سوی شورای اتحادیه اروپا در فهرست تحریم‌های این اتحادیه قرار گرفته، گفته است که از نظر شرعی، رژیم طالبان در جهان «مانند» ندارد. او تاکید کرده که پشتی‌بانی از این گروه، حمایت از اسلام است.

ندامحمد ندیم، سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان، در این نشست از افزایش کریدت‌های مضمون ثقافت اسلامی در دانشگاه‌ها ستایش کرده است. او گفته که استادان مسوولیت دارند افکار دانشجویان را برابر با معیارهای نصاب تحصیلی طالبان بسازند. این مقام طالبان تاکید کرده که استادان دانشگاه‌ها برای تاثیرگذاری بیشتر بالای دانشجویان، گفتار و کردار خود را مطابق ویژه‌گی‌های علمای دینی این گروه، عیار کنند.

طالبان در حالی از تطبیق اصول اسلام سخن می‌گویند که کشورهای اسلامی، اقدام این گروه علیه زنان را خلاف ارزش‌ها و آموزه‌های دین اسلام دانسته‌اند. سازمان همکاری اسلامی و اکادمی بین‌المللی فقه اسلامی (IIFA)، در بیانیه‌ای منع آموزش و تحصیل زنان را مغایر احکام و اجماع امت اسلامی توصیف کرده‌اند. اکادمی فقه اسلامی در یک بیانیه رسمی جداگانه، منع تحصیل دختران و زنان از سوی طالبان را خلاف احکام شرعی دانسته است. این نهاد گفته که دسته‌بندی سیستم‌های آموزشی معاصر به ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی، از مصلحت‌های مشروع است و بازداشتن دختران از هریک از این مقاطع، «خودسری و تخلف بزرگ» است.

این در حالی است که طالبان در افغانستان در دو سال گذشته، مکتب‌های دخترانه بالاتر از صنف ششم را بسته و مانع حضور دختران و زنان در دانشگاه‌ها شده‌اند. این گروه، ساعت درسی مضامین اصلی دانشکده‌ها را در دانشگاه‌های کشور کاهش داده و به جای آن‌ها، ساعت‌های درسی ثقافت اسلامی را از ۸ کریدت به ۲۴ کریدت در هفته افزایش داده‌اند.

طالبان در دو سال گذشته ممنوعیت‌های دست‌وپاگیری را علیه زنان و دختران در افغانستان وضع کرده‌اند. منع آموزش بالاتر از صنف ششم و سفر بدون محرم، ممنوعیت حضور در پارک‌ها، حمام‌ها و ورزشگاه‌ها، پوشیدن اجباری برقع، محرومیت از کار در نهادهای دولتی و غیردولتی و بستن دروازه آرایشگاه‌های زنانه، از مهم‌ترین ممنوعیت‌های اعمال شده طالبان بر زنان در کشور است.

طالبان در حالی بر تطبیق بی‌قیدوشرط اصول این گروه

مولوی عبدالکبیر، معاون سیاسی رییس‌الوزرای طالبان، در سخنرانی خود ادعا کرده که شماری از استادان و دانشجویان نهادهای تحصیلی کشور در بیست سال گذشته در جنگ طالبان علیه دولت پیشین و نیروهای خارجی نقش داشته‌اند و در پیروزی این گروه سهیم‌اند. او همچنان تاکید کرده که رژیم طالبان «حاضر به معامله بر اصول اسلامی» با جهان نیست. این مقام طالبان افزوده است: «اسلام را به معنای واقعی آن تطبیق می‌کند و ذره‌ای هم سازش را تحمل نمی‌کند.»

مقام طالبان افزوده است: «اسلام را به معنای واقعی آن تطبیق می‌کند و ذره‌ای هم سازش را تحمل نمی‌کند.»

معاون سیاسی رییس‌الوزرای طالبان افزوده که این گروه به دنبال تعامل مثبت با جهان و روابط خوب در فضای احترام متقابل است، اما حاضر به معامله بر سر اصول طالبان نیست و «به خاطر خوشی دیگران شعاعی اسلامی را زیر پا نمی‌گذارد.» به گفته او، امریکا در سال ۲۰۰۱، بقای نظام اسلامی را نمی‌خواست و اسامه بن لادن، بهانه‌ای برای حضور این کشور در افغانستان بوده است. او تاکید کرده که اگر اسامه به خواست خود از افغانستان بیرون می‌شد، باز هم امریکا و متحدانش بر افغانستان حمله می‌کردند؛ زیرا به گفته وی جهان از نظام دوره نخست طالبان به دلیل تطبیق احکام اسلامی، هراس داشت.

این مقام طالبان همچنان جهان را مجبور به تعامل با این گروه خوانده است. او گفته است: «اکنون دنیا این حقیقت را درک کرده است که این افراد وارثان

در افغانستان تاکید می‌کنند و از ایجاد دولت فراگیر و مبتنی بر اراده مردم سر باز می‌زنند که جامعه جهانی خواستار ایجاد دولت فراگیر و رعایت ارزش‌های حقوق بشری به‌ویژه تامین حقوق زنان است. سازمان ملل متحد و اکثریت کشورهای جهان به‌شمول کشورهای منطقه، بارها خواستار ایجاد دولت فراگیر در افغانستان شده‌اند. طالبان اما گفته‌اند که بازگرداندن مقام‌های پیشین در رژیم آنان امکان ندارد و نظام‌شان همه‌شمول است.

در همین حال، شماری از شهروندان می‌گویند که طالبان با وضع محدودیت‌های بی‌حدوحد علیه زنان و مردان، افغانستان را به یک زندان بزرگ تبدیل کرده‌اند. به گفته آنان، اقدام‌های این گروه در جریان دو سال گذشته افزون بر محرومیت زنان از همه عرصه‌های زندگی، کشور را در بزرگ‌ترین بحران بشری جهان قرار داده است.

این شهروندان می‌گویند که اگر طالبان به شیوه موجود ادامه بدهند، بحران‌های گسترده‌تر و عمیق‌تر دامن‌گیر مردم و کشور خواهد شد. به گفته آنان هم اکنون رفتارهای افراط‌گرایانه طالبان، زمینه حضور و سربازگیری را برای سایر گروه‌های تروریستی منطقه‌ای و جهانی فراهم ساخته است. از نظر آنان، با اعمال سیاست‌های طالبانی، عملاً افغانستان به پناهگاه امن هراس‌افکنی تبدیل شده و آتش این خشم به‌زودی مشتعل خواهد شد.

محمد (مستعار) که از اعمال ممنوعیت‌های طالبان به ستوه آمده است، می‌گوید که طالبان در دو سال گذشته زندگی را برای همه شهروندان زیر نام تطبیق احکام اسلامی به جهنم میدل کرده‌اند. به گفته او، فرمان‌های منع‌کننده رهبر این گروه، زیر نام اصول اسلامی، بالای مردم تطبیق می‌شود.

آقای محمد می‌افزاید که تاکید مستمر طالبان بر تغییر نصاب آموزشی و تحصیلی، نهادهای تحصیلی و علمی کشور را به‌شکل کامل طالبانیزه می‌کند. به گفته او، بسط و گسترش تفکر طالبانی در دانشگاه‌ها، پیامدهای زیان‌بار و تبعات منفی را بالای چندین نسل به میان خواهد آورد. او همچنان می‌افزاید که طالبان زیر نام اصول اسلامی همه اختیارات فردی و جمعی شهروندان کشور را گرفته‌اند. به گفته او، هم اکنون مردان صلاحیت اندازه‌گیری ریش و بروت خود را ندارند و این نهایت دردآور است.

طالبان در حالی از مجبورت جهان و پیروزی خود سخن می‌زنند که به‌تازگی انستیتوت تحقیقاتی صلح اوسلو در گزارشی توافق‌نامه دوحه را زمینه‌ساز سقوط دولت پیشین در افغانستان دانسته است. براساس این گزارش، امریکا حکومت پیشین را از مذاکرات دور نگه داشته و در تعامل با طالبان، تخلیه نظامی را اولویت داده است.

کمک نقدی سازمان ملل برای بازسازی خانه‌های ویران شده در کاپیسا؛



افغانیه، پچه‌غان و غین ولسوالی نجراب آغاز کرده است. به گفته او، آسیب‌دیده‌گان ناشی از حوادث طبیعی نیز شامل این کمک‌ها هستند.

ادامه در صفحه ۵

آسیب‌دیده‌گان: کافی نیست

صبح، کاپیسا:

سوی این کمیته کمک شده است. مقام‌های محلی طالبان می‌گویند که به هر خانواده زیان‌مند با توجه به میزان خسارات خانه‌های‌شان از ۳۰۰ تا ۱ هزار و ۵۰۰ دالر امریکایی توزیع می‌شود. شماری از باشندگان کاپیسا هرچند از این اقدام استقبال می‌کنند، اما خواستار گسترش این گونه کمک‌ها در بخش‌های دیگر این ولایت هستند.

کمیته ناروی برای افغانستان در همکاری مالی با دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشری سازمان ملل متحد، روند توزیع پول نقد برای بازسازی شماری از خانه‌های رهایی که در جریان نبردها میان طالبان و نظامیان حکومت پیشین در ولسوالی نجراب کاپیسا تخریب شده‌اند، را آغاز کرده است. بر بنیاد آمارهای نشرشده، تا کنون به حدود ۵۰۰ خانواده در ولسوالی نجراب از

محمداصبر احمد، رییس مبارزه با حوادث طبیعی طالبان در کاپیسا، می‌گوید که کمیته ناروی برای افغانستان با کمک مالی دفتر هماهنگ‌کننده کمک‌های بشری سازمان ملل متحد، روند توزیع حدود ۷۴۰ هزار دالر امریکایی را به باشندگان دره‌های

چرا دروازه ناتو به روی اوکراین باز نمی‌شود؟

شجاع‌الدین امینی



سال‌ها می‌شود که اوکراین در پس دروازه ناتو به انتظار نشسته است، ولی این دروازه همچنان بسته مانده است. پس از آن که ویکتور یوشچنکو در سال ۲۰۰۴ رئیس‌جمهور اوکراین شد، علاقه این کشور به پیوستن به ناتو تشدید یافت؛ چون او گرایش به غرب داشت و پس از راه‌اندازی انقلاب نارنجی در اوکراین که از سوی آمریکا حمایت می‌شد، به پیروزی رسیده بود. او در بیستمین اجلاس ناتو که برای دو روز به تاریخ ۲ و ۴ اپریل ۲۰۰۸ در بخارست، پایتخت رومانی، برگزار شده بود، اشتراک کرد و رسماً درخواست عضویت اوکراین به ناتو را ارائه داد. اعضای ناتو در این نشست، فقط به دادن وعده عضویت به اوکراین و گرجستان اکتفا کردند و

گام عملی دیگری در زمینه برنداشتند. دیری نگذشت که رغبت اوکراین برای پیوستن به ناتو فروکش کرد. دو عامل در زمینه موثر بود: ۱- روسیه به گرجستان در ۸ اگست ۲۰۰۸ حمله نظامی کرد؛ حمله‌ای که مقام‌های اوکراینی و شهروندان این کشور را به هراس انداخت. ۲- ویکتور یانوکویچ، چهره طرفدار روسیه، در فبروری ۲۰۱۰ به‌حیث رئیس‌جمهور اوکراین انتخاب شد. او پس از پیروزی، در جون ۲۰۱۰ قانونی را از طریق پارلمان به تصویب رساند که اوکراین را در زمره کشورهای غیرمتعهد قرار می‌داد و از پیوستن به بلوک‌های نظامی دور نگه می‌داشت که قطعاً هدف اول آن ناتو بود.

فرار یانوکویچ از اوکراین در نتیجه اعتراضات سال ۲۰۱۳ و پیروزی پترو پوروشنکو در انتخابات ۲۵ می ۲۰۱۴ که چهره متمایل به غرب بود، بار دیگر اوکراین را در مسیر پیوستن به ناتو قرار داد. در زمان رهبری او، پارلمان مصوبه قبلی‌اش را لغو و از نو مصوبه‌ای را بیرون داد که اوکراین را به پیوستن به ناتو ترغیب می‌کرد. همچنان پارلمان اوکراین در ۷ فبروری ۲۰۱۹ اصلاحیه‌ای را در قانون اساسی به تصویب رساند که اوکراین را به پیوستن به ناتو و اتحادیه اروپا ملزم می‌ساخت.

به قدرت رسیدن ولادیمیر زلنسکی به روند عضویت اوکراین به ناتو شتاب بیشتر بخشید، ولی تکمیل نکرد. تپیدن زلنسکی به هر سو برای عضویت در ناتو خشم روسیه را برانگیخت و این کشور در ۲۴ فبروری ۲۰۲۲ به خاک اوکراین حمله نظامی کرد که از پایان آن تا این دم خبری نیست. ناتو در برابر حمله روسیه به حمایت از اوکراین شتافت، ولی عضویت آن را نپذیرفته است. این در حالی است که زلنسکی پس از آن که روسیه، چهار منطقه اوکراین را به خاکش ضمیمه کرد، در ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲ درخواست عضویت سریع اوکراین به ناتو را امضا کرد که تا کنون ناپذیرفته مانده است.

پرسشی که در زمینه مطرح می‌شود، این است که ناتو به‌رغم حمایت نظامی از اوکراین چرا به عضویت این کشور رای مثبت نمی‌دهد؟

۱- یکی از علت‌ها ممکن است این باشد که اوکراین در شرایط حاضر در جنگ گرم با روسیه قرار دارد. درگیر بودن اوکراین در جنگ با روسیه چرا مانع پیوستن این کشور به ناتو می‌شود؟ ماده ۵ منشور ناتو چنین صراحت دارد: «حمله بر یک عضو ناتو، حمله به تمام اعضای آن است.» با توجه به مفاد این ماده، اگر اوکراین عضویت ناتو را حاصل کند، پیامد قطعی آن ورود مستقیم ناتو به جنگ علیه روسیه است؛ چیزی که تا این دم ناتو به ظاهر کوشیده است از آن بپرهیزد. ورود ناتو به جنگ علیه روسیه دو پیامد دارد که برای اعضای آن نگرانی آفریده است: یکی این که جنگ ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد و ممکن است تبدیل به جنگی شود که استفاده از سلاح اتمی در آن ممکن گردد. دوم این که بسیاری از اعضای ناتو به‌رغم آن که از اوکراین حمایت می‌کنند، ولی رابطه نیم‌بند اقتصادی - سیاسی با روسیه دارند که با ورود به جنگ مستقیم علیه روسیه این رابطه ممکن است به‌گونه کامل قطع

شود؛ چیزی که بسیاری از اعضای ناتو خواستار آن نیستند. برای نمونه، روسیه شریک اول تجاری ترکیه به حساب می‌رود. ورود مستقیم این کشور به جنگ علیه روسیه قطعاً به زیان تجارت دو طرف خواهد بود.

۲- ناتو می‌خواهد با پرداخت هزینه اندک روسیه را مهار کند و از اوکراین در زمینه به‌مثابه ابزار موثر استفاده می‌شود. تا زمانی که اوکراین هست، ناتو نیازی نمی‌بیند مستقیماً وارد جنگ علیه روسیه شود. می‌توان گفت که ناتو برای مهار روسیه به سیاست «موازنه از راه دور» روی آورده است؛ سیاستی که تلاش می‌شود با پرداخت هزینه اندک منافع کلان حاصل گردد. از آغاز جنگ اوکراین تا این دم ناتو در حمایت از اوکراین زیاد هزینه کرده است، ولی در برابر ارزش مهار رقیب قدرت‌مندی چون روسیه اندک می‌نماید. هزینه ناتو زمانی بالا می‌رود که به جنگ مستقیم علیه روسیه ورود کند. در این صورت، ضمن آن که تلفات انسانی روی کف دست اعضای ناتو خواهد بود، آتش جنگ سرزمین‌های زیادی را در اروپای غربی فرا خواهد گرفت. برای فعلاً تداوم سیاست «موازنه از راه دور» برای ناتو کم‌هزینه و در عین حال موثر است. تا زمانی که ناتو به عملیاتی‌سازی این سیاست نیاز دارد، دروازه این سازمان به روی اوکراین باز نخواهد شد و از این کشور برای مهار روسیه زیر نام متحد راهبردی غیرناتویی استفاده خواهد شد.

۳- ناتو می‌خواهد به جنگ اوکراین عمر طولانی ببخشد؛ چون به هر پیمانه عمر این جنگ طولانی شود، عمر روسیه کوتاه‌تر خواهد شد. برای فعلاً روسیه تبدیل به کشور منزوی شده است. با اوکراین به‌گونه مستقیم و با ۳۱ عضو ناتو به‌گونه غیرمستقیم درگیر است. تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه روز تا روز شدت بیشتر می‌گیرد و ارزش پول آن دارد تنزل پیدا می‌کند. ابزارهای فشار موثر از جنگ روسیه در رفته است جز سلاح اتمی. گاهی از توقف صدور غلات هم به‌مثابه ابزار فشار کار می‌گیرد. ناتو فکر می‌کند که تداوم این وضعیت توان نظامی - اقتصادی روسیه را بیش‌تر تضعیف می‌سازد. در نهایت، دروازه ناتو در شرایطی به‌روی اوکراین باز خواهد شد که توانایی واکنش جدی از روسیه گرفته شده باشد که در آن صورت خطر جنگ بزرگ بین‌المللی وجود نخواهد داشت. در بحبوحه جنگ که فعلاً توانایی نظامی روسیه را به حد لازم نرفرسوده، ممکن است واکنش آن، زبان‌بار باشد؛ به‌گونه‌ای که همه اعضای ناتو را متضرر سازد.

۴- به‌نظر می‌رسد که میان اعضای ناتو در خصوص پذیرش عضویت اوکراین توافق نظر وجود ندارد.

امریکا به‌مثابه کشوری که ناتو را رهبری می‌کند، در پذیرش پیشنهاد عضویت اوکراین مردد به‌نظر می‌خورد. ظاهراً دلیلی که تیم جو بایدن مطرح کرده این است که اوکراین در میانه جنگ قرار دارد و امریکا نمی‌خواهد به جنگ اوکراین سرباز بفرستد. ولی در واقع، مشکل اصلی انتخابات ۲۰۲۴ در امریکاست. نامزدان ریاست‌جمهوری امریکا در کارزارهای انتخاباتی معمولاً با شعار پایان‌دادن به جنگ‌های طولانی و هزینه‌بر وارد میدان می‌شوند. جو بایدن می‌داند که ورود مستقیم در جنگ به حمایت از اوکراین هزینه‌های امنیتی را برای واشنگتن بالا می‌برد که این برای افکار عمومی در امریکا پذیرفتنی نخواهد بود.

همین‌طور، در نشست ناتو در بخارست در سال ۲۰۰۸ اتفاق نظر میان اعضا وجود نداشت. برای نمونه، فرانسه و آلمان با عضویت اوکراین در ناتو مخالفت کردند. دلیل عمده‌شان ترس از واکنش روسیه بود. به‌تازگی آلمان یکی از کشورهایی بود که در جریان برگزاری نشست لیتوانی در ۱۱ جولای سال جاری با عضویت اوکراین در ناتو مخالفت کرد و گفته می‌شود که از سایر کشورها نیز خواسته است تا در زمینه مخالفت کرده و به‌جای آن به دادن تضمین‌های امنیتی اکتفا کنند. مهم‌ترین عامل موثر در تصمیم آلمان، هراس از واکنش احتمالی روسیه است که در آن صورت، آلمان در خط مقدم حمله قرار خواهد داشت. برای اتحادیه اروپا این پرسش مهم است که آیا دادن عضویت به اوکراین به امنیت آن‌ها کمک خواهد کرد؟ جنگ اوکراین نشان داد که در حال و آینده، عضویت این کشور در ناتو نه‌تنها مرزهای اروپای غربی را امن‌تر نمی‌سازد، بل به خلق ناامنی می‌انجامد.

ناتو برای فعلاً ۳۱ عضو دارد. برای عضویت اوکراین توافق همه اعضا نیاز است، به‌گونه‌ای که اگر یکی از اعضا رای مخالف دهد، عضویت ناممکن می‌شود. حصول آرای همه اعضا به‌ویژه قدرت‌های بزرگی که به‌دنبال نابودی روسیه هستند، ولی از واکنش احتمالی این کشور می‌ترسند، دشوار و حتا ناممکن است.

۵- عضویت در ناتو شرایط دست‌وپاگیری دارد که ممکن است اوکراین آن‌گونه که انتظار می‌رود، برآورده نکرده باشد. ایجاد نظام سیاسی دموکراتیک مبتنی بر ارزش‌های لیبرال، رعایت حقوق و آزادی‌های شهروندان به‌ویژه اقلیت‌های قومی - مذهبی، داشتن ارتش قوی، درخشش بهتر در عملیات‌های نظامی که از سوی ناتو انجام می‌شود، حفظ یک‌پارچه‌گی سرزمینی و ... شرایطی است که برای عضویت در ناتو در نظر گرفته شده است که هر کشوری اگر می‌خواهد به این سازمان بپیوندد، بایستی قبل از ارائه درخواست عضویت، خود را

واجد شرایط فوق سازد.

ترکیب جمعیتی در اوکراین متنوع و چندپارچه است. اکثریت جمعیت این کشور را اوکراینی‌ها تشکیل می‌دهند و اقلیت‌ها شامل روس‌ها، تاتارها، بلاروسی‌ها، رومانیایی‌ها و ... می‌شود. این تنوع از حفظ و تحکیم وحدت در اوکراین جلوگیری کرده است. برای نمونه، روس‌ها که بیش‌تر در مناطق شرقی اوکراین زنده‌گی می‌کنند، گرایش به سمت روسیه دارند و ساکنان مناطق غربی نگاه به سمت اتحادیه اروپا و ناتو دارند. این امر سبب شده است تا موازنه در سیاست خارجی اوکراین حفظ نشود. اوکراین به دموکراسی گذار کرده است، ولی به دموکراسی پایدار آن‌گونه که کشورهای غربی انتظار دارند، دست نیافته است. در غیبت دموکراسی پایدار، مدیریت این جمعیت چندپارچه به‌گونه‌ای که به حقوق اقلیت‌ها آسیب وارد نشود، دشوار است. اوکراین از حیث اقتصادی چالش‌های مختص خود را دارد و با سایر کشورهای عضو ناتو نمی‌تواند برابری کند. بحث فساد در اوکراین در گذشته‌ها داغ بود. قرار بود در سال ۲۰۱۳ میان اوکراین و اتحادیه اروپا، پیمان «همکاری‌های آزاد» امضا شود، ولی طرف اوکراینی انصراف کرد؛ انصرافی که منجر به خلق بحران عظیم در اوکراین شد. ضمن اعمال فشار از سوی روسیه، گفته می‌شود که مهم‌ترین عامل، موجودیت فساد در دستگاه دولت اوکراین بوده است؛ چون حاکمان کی‌یف فکر می‌کردند که با امضای این پیمان سطح وابسته‌گی به اتحادیه اروپا افزایش می‌یابد و این اتحادیه، فشارهای لازم را برای نابودی فساد و افزایش سطح شفافیت اقتصادی، بر این کشور وارد خواهد کرد.

همچنان اوکراین یک‌پارچه‌گی سرزمینی‌اش را از دست داده است. کریمه را در سال ۲۰۱۴ از دست داد. همچنان مناطق لوهانسک، دونتسک، خرسون و زاپوریژیا را اخیراً از دست داده است. کشوری که این همه مشکل مرزی با قدرت بزرگی چون روسیه داشته باشد، دشوار است که عضویت ناتو را حاصل کند.

ارتش اوکراین توانایی خوبی ندارد و اگر در گذشته خوب بوده، حالا بیش‌تر تضعیف شده است. به‌رغم حمایت‌های گسترده نظامی ناتو از اوکراین، این کشور نتوانسته در جنگ درخشش خوبی از خود نشان دهد. برای نمونه، برنامه ضد حمله‌ای که اوکراین روی دست گرفته، ناتو را ناامید کرده است؛ چون پیشرفت قابل‌لمسی در زمینه به مشاهده نمی‌رسد.

ناتو عضویت اوکراین را منوط به پایان جنگ کرده است؛ جنگی که برای آن هنوز پایانی متصور نیست. اگر هم پایان یابد، مشخص نیست که چه‌گونه و با چه بهایی؟ پس می‌توان گفت که دورنمای پیوستن اوکراین به ناتو تا این دم تیره به‌نظر می‌آید.

کمک نقدی...



این مقام محلی طالبان می‌افزاید که تا کنون به ۴۶۲ خانواده متضرر از جنگ‌های ۲۰ سال اخیر و حوادث طبیعی در این ولایت، از سوی کمیته ناری پول نقد توزیع شده است و این روند ادامه خواهد داشت. به گفته او، برنامه مدد رسانی دو ماه پیش آغاز شده و به هر یک از این خانواده‌ها با توجه به میزان خرابی خانه‌هایشان از ۳۰۰ تا ۱ هزار و ۵۰۰ دالر امریکایی پول نقد توزیع می‌شود. مقام‌های محلی طالبان در کاپیسا اما آمار دقیقی از آسیب‌دیده‌گان ناشی از جنگ در این ولایت ندارند.

در همین حال، شماری از باشندگان کاپیسا هرچند از این اقدام استقبال می‌کنند، اما خواستار گسترش این گونه کمک‌ها در بخش‌های دیگر این ولایت هستند. گل حیدر، یکی از ساکنان دره افغانستان ولسوالی نجراب کاپیسا است. او می‌گوید که خانه مسکونی‌اش حدود پنج سال پیش به دلیل این که در نزدیکی خط مقدم جنگ میان طالبان و نظامیان حکومت پیشین بود، به گونه کامل تخریب شد و او از آن زمان تا کنون، توان بازسازی آن را نداشته است. او تصریح می‌کند: «تمام داروندارم در جنگ‌ها بین حکومت سابق و طالبان با خاک یکسان شد و خودم به مرکز کاپیسا بی‌جا شده بودم. حالا به من حدود ۷۰ هزار افغانی کمک شده است. با این پول یک اتاق هم بازسازی نمی‌شود.»

محمدآغا، یکی از باشندگان دره غین ولسوالی نجراب نیز در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «ما از این کمک‌ها استقبال می‌کنیم، اما بسنده نیست و باید برای ما بیشتر کمک صورت گیرد. همین حالا من با چهار دختر و سه پسر در یک خانه کرایه و خیلی کوچک زنده‌گی می‌کنیم، و توان پرداخت کرایه آن خانه را هم ندارم، اما تا زمانی که یک خانه گلی جور کنم، مجبور هستم که تحمل کنم.»

در کنار این، شمار دیگری از باشندگان کاپیسا از عدم توازن و عدالت در تطبیق پروژه‌های بازسازی در این ولایت انتقاد می‌کنند. مرتضا خان، یکی از باشندگان این ولایت، می‌گوید که باید در خصوص بازسازی خانه‌های رهایشی در ولسوالی‌های تکاب و اله‌سای نیز که در پی نبردهای بیست سال گذشته تخریب شده‌اند، توجه شود. او می‌افزاید: «نهادهای امداد رسانی و طالبان نباید نسبت به مردم این ولایت دیدگاه دوگانه داشته باشند. جنگ‌های بیست سال اخیر در تمام نقاط این ولایت به‌ویژه در ولسوالی‌های اله‌سای و تکاب نیز خسارات هنگفت مالی و جانی داشته است. باید به این ولسوالی‌ها هم کمک‌هایی صورت گیرد.»

طالبان در بیست سال گذشته در ولسوالی‌های نجراب، تکاب و اله‌سای ولایت کاپیسا حضور گسترده و فعال داشتند. در این مدت، این ولسوالی‌ها بارها گواه درگیری‌های شدید میان جنگ‌جویان طالبان و نظامیان حکومت پیشین بودند. در آخرین مورد و در واپسین روزهای سقوط حکومت پیشین، ولسوالی نجراب بیش از یک ماه گواه درگیری‌های شدید بود. در پی این درگیری‌ها، در کنار وارد شدن تلفات جانی به طرف‌های درگیر جنگ، صدها خانه رهایشی نیز تخریب شدند. در آن زمان، مقام‌های حکومت پیشین بارها اعلام کرده بودند که طالبان از خانه‌های غیرنظامیان به‌عنوان سپر و سنگر استفاده می‌کنند.

بادل گران و دست تنگ در تقلاي زیستن

عایشه خراسانی



اجازه نمی‌دهند. دست خالی و بدون دخترش برمی‌گردد. چند ماه منتظر می‌ماند تا فرحناز را به خانه بیاورند. این بار فرحناز دردهای دلش را به مادر قصه می‌کند و همه می‌دانند که شوهر فرحناز از خردسالی تکلیف روانی داشته است و همه‌گی برایش «دیوانه» می‌گویند. فرحناز باردار است و تا وضع حمل می‌کند، مدت زیادی می‌گذرد. بعد از آن با صدها سختی و مشکل طلاق او را می‌گیرند.

زنده‌گی مریم لایه‌های درد و رنج است؛ هر قدمش اندوه و هر صفحه‌اش تلخی است. به این فکر می‌کنم که در کدام ایستگاه نفس راحت می‌کشد و در کجا یادی از روز خوش می‌کند. فرحنازش را دوباره نامزد می‌کند و دختر دومش را هم در خردسالی به شوهر می‌دهد. مریم می‌گوید: «در قوم ما دختر را در خردی به شوی می‌دهند. من اگر دستم تنگ نمی‌بود، دخترانم را بدبخت نمی‌کردم.» مریم از این که خرج و خوراک دخترانش را داده نمی‌تواند و از طرفی هم از گپ و تهمت مردم می‌ترسد، دختران نوجوانش را به شوهر می‌دهد. از دختر دومش می‌گوید که حالا در ولایت دیگری است و چندین ماه می‌شود ندیده‌اش. می‌گوید: «دخترم را یک بار گفتم بیا پیش ما، ولی فهمیدم خانه خسرش خوش ندارد که عروس‌شان از سالی یک بار زیاد برود. دخترم گفت که نمی‌خواهد در خانه جنجال به پا شود و گپ کسی سرش بماند، از همین خاطر مدت‌هاست که ندیدمش.»

مریم حین صحبت کردن دست‌هایش را به هم می‌مالد و لبخند کم‌رنگی گوشه لبانش دارد. این زن چقدر زجر دیده و چقدر سختی کشیده، ولی لبخندش را هنوز فراموش نکرده است. دنیا برای مریم کوچک است و آرزوهایش از آن کوچک‌تر. امیدش را وقتی تنها پسرش از بین رفت، از دست داده بود، ولی باز می‌گوید «توکل به خدا، چه کنیم دگه». پسر خردسالی همراهش است. او نواسه‌اش، پسرش فرحناز است که حال سرپرستی‌اش را مریم برعهده گرفته است. می‌گوید: «این را کلان می‌کنم و مگر برای من شود.» دختران دیگرش هنوز سن‌شان به پانزده نرسیده است و بعید نیست که تا جوان شوند آن‌ها را هم به شوهر دهد. او امیدش را به پسر کوچکی بسته است که هنوز حرف‌هایش به درستی فهمیده نمی‌شود.

برای مریم نه برادرش و نه حتا مادرش کمکی نمی‌کند. او از دست‌رنج خودش روزهایش را می‌گذراند. به خانه‌های مردم می‌رود و کار می‌کند تا یک لقمه نان حلال پیدا کند. مریم می‌گوید: «به خانه‌های مردم خودم ناخواسته نمی‌روم. آن‌ها دعوت می‌کنند تا برای‌شان کار کنم و شکر آدم‌های چهارطرفم نیک هستند و هم مقداری پول می‌دهند و هم نان و روغنی اگر بخواهند.» در تمام مدتی که مریم از زنده‌گی پرییچ‌وخمش و از دردهایش گفت، لبخند از صورتش جز وقتی یاد از کشته شدن پسرش کرد، گم نشد. او از روزهایی می‌گوید که سقفی بالا سر نداشته و نانی در دست‌خوانش نبوده است. از روزهایی می‌گوید که خودش دو روز غذا نخورده تا فرزندانش خوب سیر کنند. مریم باریک‌راه‌های روزگار را دویده و هنوز دست از دویدن برنداشته است. با وجود غم گران سینه و دست‌تنگش، هنوز ادامه می‌دهد و لبخندش را فراموش نکرده است.

مثل گنجشکی که یک بال دارد، آن‌سو و این‌سو می‌زند تا بال زدن را از یاد نبرد. از نخستین روزهای رنج‌آلودش که با نوجوانی‌اش آغاز می‌شود تا اکنون که در میان‌سالی موی سفید شده است، روزگار او را از هر دستی با سیلی زده است. مریم وقتی پسر نوجوانش تازه قد کشیده بود و در شهر در دکانی شاگردی می‌کرد، امید فراوان به دل بسته بود؛ امید به روزها و آینده بهتر. اما امیدش را با خاک و خون یکسان می‌کنند. در حالی که اشک در چشم‌هایش حلقه زده است، می‌گوید: «از بی‌پیشه‌گی پسرم را با بدل نامزد کردم. دختر دادیم و دختر آن‌ها را برای پسرم گرفتیم. یک مدت نامزد بود و من هم دلخوش بودم؛ اما پسرک نیمچه‌ام را دشمن‌های برادرم زنده نماندند.» پسر او تازه جوان شده بود و به سمت کار می‌رفت، اما دشمنی ماماهاش گریبان او را گرفت. یک روز وقتی سر کار می‌رود، دیگر بر نمی‌گردد. دو روز سرگرم می‌ماند و بعد جسدش را به مریم تسلیم می‌کنند. مریم در آن لحظه از درد کرخت می‌شود.

حالا چند سال از روزی که تنها پسرش را از دست داد، می‌گذرد. دو تا از دخترانش را به شوهر داده است، یکی از آن‌ها نامزد است و دو سه تای دیگر مجردند. روز و حال دختران و زنده‌گی بد آن‌ها نیز شانه مریم را خم ساخته است. دختر بزرگش فرحناز را وقتی نوجوان بود، قبل از شانزده‌ساله‌گی به شوهر می‌دهد. چند ماه می‌گذرد که فرحناز به مادرش زنگ نمی‌زند و خبری از او ندارد. بالاخره مریم مقداری پول قرض می‌کند و پیش دخترش می‌رود، اما فرحناز، آن فرحنازی نیست که او به دست شوهر تسلیم کرده بود. سر و صورت سیاه و کبود و بدنش ضعیف شده بود. دنیای مریم سیاه می‌شود، شانه‌هایش می‌خمد و چشم‌هایش می‌گرید. کاری نمی‌تواند انجام دهد. اصرار می‌کند که دخترش را می‌خواهد ببرد؛ ولی

زمختی و پوست پاره‌پاره شده دستانش نشان از کار زیاد و رنج فراوان می‌دهد. با نگاهی به دستانش، می‌توان به اندوه سینه‌اش پی برد. او مثل گنجشکی که یک بال دارد، آن‌سو و این‌سو می‌زند تا بال زدن را از یاد نبرد. از نخستین روزهای رنج‌آلودش که با نوجوانی‌اش آغاز می‌شود تا اکنون که در میان‌سالی موی سفید شده است، روزگار او را از هر دستی با سیلی زده است.

لبخند گرمی بر صورتش نشسته است و همچنان به روایت غم‌نامه‌اش ادامه می‌دهد. از این قصه به آن قصه می‌پرد و با آغاز هر قصه‌ای لبخندی تلخ می‌زند. انگار می‌خواهد رنجی که از زیانش بیرون می‌شود، در چهره‌اش نمایان نشود. در گرمی تابستان نه درختی به حویلی سبز می‌زند و نه پکه‌ای در خانه است تا هوا را اندکی قابل تحمل بسازد.

مریم (اسم مستعار) زن میان‌سالی است که اگر جور روزگار نبود و امکان‌های بیشتری برای زیستن داشت، مجبور نمی‌شد سال‌ها در خانه‌های مردم کار کند. او هر روز صبح به امید این که کسی به دروازه تک‌تک بزند و او را برای کاری در خانه‌اش بطلبد، بیدار می‌شود. شوهرش را در جوانی، زمانی که هنوز فرزندانش خردسال هستند، از دست می‌دهد و با برادران و مادرش در یک حویلی زنده‌گی می‌کند؛ حویلی نسبتاً بزرگی که در میان تمام خانه‌ها فقط یک اتاق و یک دهلیز کوچک به مریم رسیده است. زمختی و پوست پاره‌پاره شده دستانش نشان از کار زیاد و رنج فراوان می‌دهد. با نگاهی به دستانش، می‌توان به اندوه سینه‌اش پی برد. او

اوج گیری هند و سیر قهقراپه پاکستان



طبق گزارش انستیتوت صلح ایالات متحده در ۲۰۲۲، پاکستان مبلغ ۱۲۶٫۳ میلیارد دلار قرض دار بوده است که از آن جمله، ۹۷٫۵ میلیارد دلار قرضه دولت و ۷٫۹ میلیارد دلار قرضه نهادهای تحت کنترل دولت، و باقی آن، قرضه های بانک های خصوصی می باشد.

داکتر ضیا نظام

مجله معتبر اکونومیست اخیراً پاکستان را در جمله کشورهای ناکام آسیا در ردیف افغانستان، میانمار و بعضی از کشورهای دیگر قرار داده است. بانک جهانی در چهارم اپریل امسال گفت که چهار میلیون پاکستانی دیگر زیر خط فقر می روند، و همچنان پیش بینی کرد که عاید هر نفر در پاکستان از ۱۶۱۴ دلار در سال مالی ۲۰۲۱-۲۰۲۲ به ۱۳۹۹ دلار در سال مالی ۲۰۲۲-۲۰۲۳ نزول می کند. رشد اقتصادی این کشور براساس آمار صندوق بین المللی پول تنها ۰٫۵ است و نرخ تورم پول پاکستان در همین سال ۲۵٫۴ درصد پیش بینی می شود. این تورم در ۵۳ سال گذشته سابقه ندارد. تمام آثار نشان می دهد که پاکستان در حالت بسیار بد اقتصادی قرار داشته و این کشور در حالت بحرانی است. صادرات این کشور در سال ۲۰۲۲-۲۰۲۳ مبلغ ۳۹٫۴ میلیارد دلار و واردات آن بیش از دوبرابر واردات یعنی ۸۴ میلیارد دلار بوده است. مقدار قرضه خارجی این کشور به ۱۲۶٫۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ رسیده است. عاید سالانه دولت پاکستان در سال ۲۰۲۲، مبلغ ۴۵ میلیارد دلار اما مصرفش در آن سال ۷۵ میلیارد دلار بوده است. یعنی پارسال پاکستان مبلغ ۳۰ میلیارد دلار کسر بودجه داشته است. پاکستان سال هاست که با گرفتن قرضه، امور دولت را پیش می برد. موضوع قرض داری پاکستان امروز عمده ترین مساله اقتصادی آن کشور می باشد.

طبق گزارش انستیتوت صلح ایالات متحده در ۲۰۲۲، پاکستان مبلغ ۱۲۶٫۳ میلیارد دلار قرض دار بوده است که از آن جمله، ۹۷٫۵ میلیارد دلار قرضه دولت و ۷٫۹ میلیارد دلار قرضه نهادهای تحت کنترل دولت، و باقی آن، قرضه های بانک های خصوصی می باشد.

پاکستان ۴۵ میلیارد دلار از چند نهاد مالی بین المللی چون بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، بانک توسعه آسیایی و چند نهاد دیگر قرضه دریافت کرده است. مبلغ ۸٫۵ میلیارد دلار نیز از کلوب پاریس قرضه گرفته است. همه این قرضه ها با شرایط خوب و مدت طولانی از ۱۸ تا ۴۰ سال به پاکستان اعطا شده است. پاکستان از بعضی کشورها نیز قرض دار می باشد. چین بزرگ ترین کشور قرضه دهنده به پاکستان است، و در مجموع ۲۷ میلیارد دلار به این کشور قرضه داده که ۷ میلیارد آن قرضه تجارتي با نرخ بالاست.

به طور خلاصه، دیده می شود که صادرات پاکستان

در حال کاهش و وارداتش در حال افزایش است، و در نتیجه عاید ملی و عاید سرانه پاکستانی ها کم می شود. کسر بودجه، انفلاسیون، فقر روزافزون و دیگر ابعاد بحران کنونی اقتصادی، پاکستان را با مشکلات بسیاری روبه رو کرده است. قابل یادآوری است که نقش ۹ میلیون پاکستانی که در خارج زنده گی می کنند در ارسال ارز به آن کشور پررنگ است. آنان هر سال حدود ۲۰ میلیارد دلار به پاکستان ارسال می کنند.

میزان بالای قرضه های سنگین، بحران ارزی و تورم بی سابقه را در پی داشته است. سود قرضه های دریافتی پاکستان به دلیل ناتوانی آن کشور در بازپرداخت، بسیار انباشته شده و تقریباً برابر با اصل قرضه گردیده است. از این رو، نهادهای مالی بین المللی پاکستان را از جمله کشورهای ورشکسته و ناکام می شمارند.

اگر به گذشته نظر انداخته شود، پاکستان مدت سی سال از ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۵ بلندترین رشد اقتصادی را در جنوب آسیا داشت. با آن که در آن سالها پاکستان دو جنگ با هند را سپری کرد، بنگلهدیش از پیکرش جدا شد و شاهد حوادث طبیعی چون زلزله بود؛ اما بازم اقتصادش نسبت به دیگر کشورهای جنوب آسیا بیش تر رشد می کرد. در عرصه های صنعت، زراعت و تجارت نسبت به تعدادی از کشورهای در حال توسعه موفق تر بود. اما چه اتفاق افتاد که از آن موقعیت امیدبخش به یک کشور ورشکسته و گرفتار مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تبدیل شد؟

ماجراجویی های سیاسی و نظامی

علت اساسی این عقب گرد ماجراجویی های سیاسی حاکمان آن کشور در منطقه است. نظامیان پاکستان به بهانه عمق استراتژیک در امور افغانستان دخالت کردند، تروریستان و جنگجویان نیابتی را در خاک خود آموزش دادند و برای جنگ به افغانستان، کشمیر و برخی نقاط دیگر جهان اعزام کردند. پی گیری این اهداف در همسویی با پروژه های بین المللی که در منطقه ما جریان داشت، امتیازاتی را در اختیار نظامیان پاکستان در کوتاه مدت قرار داد؛ اما بعدها زمانی که پاکستان در بازی تروریسم و خشونت پروری فرو رفت، هزینه های بسیاری بر بودجه دولت پاکستان تحمیل شد. در واقع، بخشی از قرضه هایی که پاکستان از نهادهای بین المللی و کشورها دریافت کرده مستقیم و یا غیرمستقیم به مصرف پرورش تروریسم رسیده است.

این ماجراجویی های نظامی و استخباراتی پاکستان

در سال های ۱۹۸۰ میلادی آغاز شد؛ اما در آن سالها که جهادی های افغانستان در جنگ با نیروهای شوروی از سوی غرب تمویل می شدند، بار زیادی بر دوش دولت پاکستان تحمیل نمی شد، بلکه تمام کمک های کشورهای غربی و عربی به پاکستان پرداخته می شد و مقام های پاکستانی بخش ناچیزی از آن را به مجاهدین افغان می دادند و باقی آن مبالغ در داخل پاکستان از جمله برای تقویت ارتش آن کشور مصرف می شد. بعد از خروج شوروی از افغانستان، کمک های خارجی تقریباً قطع شد و در نتیجه سیاست های ماجراجویانه و تقویت سکتور نظامی پاکستان، مشکلات اقتصادی به تدریج بیش تر شده و به وضعیت کنونی رسید.

پاکستان از طریق قرضه های خارجی، مصارفش را قسماً جبران می کرد. البته وضعیت اقتصادی پاکستان شباهت زیادی به وضعیت سریلانکا پیدا کرده، زیرا آن کشور نیز قرضه های زیادی از خارج گرفته است. مخصوصاً قرضه های که از صندوق بین المللی پول دریافت کرده بود، به دلیل شرایط وضع شده از سوی آن نهاد، سریلانکا را دچار فروپاشی سیاسی و اقتصادی کرد. آن بحران منجر به افزایش بسیار زیاد تورم و تخلیه ذخایر ارزی خارجی شد؛ طوری که سریلانکا قادر نبود بدهی های خارجی خود را بازپرداخت کند. بحران اقتصادی با بحران های سیاسی و نظامی همراه شد و سرلانکا در نتیجه جنگ های داخلی که از سال ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۹ ادامه یافت، صدمه بسیار دید. اقتصاد سریلانکا که به توریسم بسیار وابسته است، به سبب همه گیری ویروس کرونا و نیز سوءمدیریت اقتصادی بیش از پیش آسیب دید.

فاصله روزافزون هند و پاکستان

با نگاه به گذشته، اگر بخواهیم اقتصاد پاکستان را با همسایه اش هندوستان مقایسه کنیم، متوجه می شویم که تا دهه ۱۹۹۰ میلادی اقتصاد پاکستان خیلی بهتر از هند عمل می کرد. به طور مثال، عاید سرانه هند در سال های ۱۹۸۰-۱۹۸۹، بین ۲۷۰ تا ۳۵۴ دلار بود، در حالی که در پاکستان این رقم در آن سالها به ۴۲۰ تا ۵۵۰ دلار امریکایی می رسید. رشد اقتصادی در هندوستان از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۰ تنها ۲٫۹ درصد بود، اما رشد اقتصادی پاکستان در آن مدت به طور اوسط به ۶ درصد می رسید. گفته می شود که دهه ۱۹۹۰ برای پاکستان دهه عقب گرد و شکست بود و پس از آن، از جایگاه یکی از اقتصادهای در حال رشد منطقه فرو افتاد.

صندوق بین المللی پول گزارش داده است که

هندوستان در سال ۲۰۲۲ سریع ترین رشد اقتصادی جهان را داشته است و پیش بینی می شود که امسال رشد اقتصادی هند به ۱۱٫۲ درصد برسد. هند منابع زیرزمینی چندانی ندارد و یکی از بزرگ ترین واردکننده گان نفت و گاز در جهان است. هند توانسته در جریان دو دهه اخیر رشد اقتصادی بالایی را تجربه کند. براساس پیش بینی سازمان اقتصادی مورگان استنلی، درآمد سرانه این کشور در سال ۲۰۳۰ دوچند خواهد شد و تا آن وقت هند به جایگاه سومین اقتصاد بزرگ جهان پس از ایالات متحده آمریکا و چین خواهد رسید. هند که اکنون پرجمعیت ترین کشور جهان است، نرخ فقر را از ۲۲٫۵ درصد در سال ۲۰۱۱ به ۱۰٫۲ درصد در سال ۲۰۱۹ کاهش داد. هند اکنون به برخی از کشورهای منطقه کمک می کند و قرضه می دهد، در حالی که پاکستان از بازپرداخت قرضه های خود عاجز مانده است. سوال این جاست که پاکستان در سابق برای مدت طولانی در برخی عرصه ها از هند سبقت داشت، اما امروز نه تنها از هند در همه عرصه ها عقب افتاده بلکه جهان آن را چون کشور ناکام می شناسد. هند در دهه های اخیر پیشرفت های شگفت انگیز داشته و کارشناسان اقتصادی آینده درخشانی برای آن در دهه های پیش رو پیش بینی می کنند. آیا پاکستان قادر خواهد شد از این بحران کمرشکن بیرون آید و دوباره مسیر توسعه و پیشرفت را اختیار کند؟ جواب این سوال آسان نیست. امید می رود پاکستان بتواند از این وضعیت عبور کند. اما برای این کار، پاکستان نیازمند اصلاحات جدی ساختاری است. آنچه هند را به سمت ثبات و پیشرفت هدایت کرده، سیستمی است که در آن قوانین تا حدود زیادی بر سلیقه های افراد و ترجیحات نهادهای قدرت مند برتری دارد. در هند حکومت ملکی صاحب صلاحیت و قدرت است و مثل پاکستان ارتش در امور حکومت داری حق وتو و دخالت مستقیم ندارد. پاکستان نتوانسته است حکومت ملکی را از سایه ارتش و استخبارات بیرون بکشد، و بارها احزاب و اقشاری که در این راستا تلاش کرده اند با واکنش و کودتای نظامی مواجه شده اند. ارتش پاکستان کوشیده خود را نهاد نجات دهنده نشان دهد و با اعمال نفوذ و دخالت فراقانونی در عرصه های سیاست و اقتصاد مانع رشد نهادهای اصلی مورد نیاز برای تضمین ثبات اقتصادی و حکومت داری مسوول شده است. ماجراجویی هایی که در بالا از آنها چون عامل اصلی این بحران یاد کردیم، حاصل ساختار نظام و نفوذ بیش از حد ارتش و استخبارات پاکستان در امور ملکی است.

درانی: پاکستان به تعامل فعال با طالبان ادامه می‌دهد



۸ صبح، کابل: نماینده ویژه پاکستان در امور افغانستان می‌گوید که اسلام‌آباد به تعامل فعال با طالبان در مورد همه موضوع‌های مورد علاقه ادامه خواهد داد.

روزنامه دان پاکستان روز یکشنبه، ۱ اسد، با نشر گزارشی نوشته که درانی این سخنان را پس از سفرش به کابل و دیدار با مقام‌های طالبان بیان کرده است.

او همچنان بر تعهد قاطع پاکستان برای همکاری نزدیک با طالبان در پیش‌برد اهدافی که صلح و امنیت در منطقه را تقویت کند، تاکید کرده است. لازم به ذکر است که آصف درانی روز چهارشنبه هفته گذشته و پس از افزایش تنش‌ها میان طالبان و پاکستان، به منظور رساندن پیام اسلام‌آباد به کابل آمد.

وی در سه روز حضورش در کابل با مقام‌های ارشد طالبان دیدارهایی نیز انجام داد.

سیلاب در میدان وردک ۱۵ کشته برجا گذاشت



۸ صبح، میدان وردک: مسوولان محلی طالبان در میدان وردک می‌گویند که ۱۵ تن در نتیجه سرازیر شدن سیلاب جان باخته و چهار تن دیگر زخمی شده‌اند.

ریاست مبارزه با حوادث طبیعی طالبان در میدان وردک، روز یکشنبه، ۱ اسد، در خبرنامه‌ای می‌گوید که در نتیجه جاری شدن سیلاب شب گذشته در منطقه تکانه ولسوالی جلیز این ولایت، ۴۰ تن دیگر ناپدید شدند.

در همین حال، منابع محلی از این ولسوالی به روزنامه ۸ صبح گفتند، این افراد هنگامی طعمه سیلاب شدند که مصروف تجلیل از یک مراسم عروسی بوده‌اند.

براساس اطلاعات منابع، ولسوالی‌های چک، سیدآباد، جغتو و نرخ این ولایت نیز شب گذشته گواه سیلاب بود که در پی آن چهار تن در روستای کجیرخیل چک زخم برداشتند و ۱۵ باب منزل مسکونی هم تخریب شده است.

منابع می‌افزایند که شاهراه میدان وردک_ بامیان نیز در نتیجه سرازیر شدن سیلاب‌های شنبه‌شب، ۳۱ سرطان، در این ولایت به‌روزی رفت‌وآمد مسدود شده و تلاش‌ها برای بازگشایی آن ادامه دارد. این در حالی است که روز گذشته نیز بخش‌های از این ولایت گواه باران شدید و سرازیر شدن سیلاب بود.

چه‌گونه می‌توان مشکلی مانند طالبان را حل کرد؟ ۱



نویسنده: طاهر خان
مترجم: علی سجاد مولایی
منبع: روزنامه دان

پیام تندی که فرماندهان ارتش پاکستان روز دوشنبه هفته گذشته به کابل دادند، حاکی از ناامیدی مقام‌های عالی‌رتبه آن کشور از عدم همکاری طالبان افغان در توقف عبور جنگ‌جویان و انتقال مهمات از مرزهای شمال‌غربی پاکستان بود.

بدر چنین واکنشی در ۱۲ جولای کاشته شد، زمانی که ستیزه‌جویان یک حمله سازمان‌یافته را بر یک مقر نظامی در ژوب بلوچستان ترتیب دادند. نگرانی‌هایی که توسط ارتش برجسته شد، چیز جدیدی نیست و از زمانی که تحریک طالبان پاکستان برای اولین بار پس از تقریباً سه سال وقفه دوباره ظهور کرد، در حال تشدید بوده است.

یک مقام امنیتی به دان گفت که حمله ژوب توسط پنج «تروریست بسیار آموزش‌دیده و مجهز» انجام شد. او گفت: «این تروریست‌ها دارای دوربین دید در شب و سلاح‌های آمریکایی با تمام تجهیزات مدرن بودند.» او گفت که به‌نظر می‌رسد مهاجمان در حال برنامه‌ریزی برای گروگان‌گیری بودند، شبیه حمله بر مسلم‌باغ در بلوچستان که در اوایل امسال جان شش سرباز و حداقل یک غیرنظامی را گرفت.

بر کسی پوشیده نیست که پس از خروج عجلوانه نیروهای ایتلاف به رهبری ایالات متحده از افغانستان، طالبان افغان تمام جنگ‌افزارهای باقی‌مانده از دشمن قدیمی قبلی را استفاده می‌کنند.

عکس‌ها و فیلم‌های زیادی از جنگ‌جویان طالبان وجود دارد که آن‌ها در اطراف کابل و مناطق دیگر در حال تردد هستند و از لباس‌ها و سلاح‌های کامل آمریکایی استفاده می‌کنند.

بنابراین، عجیب نیست که باور کنیم تحریک طالبان پاکستان که پیوندهای معنوی و عملیاتی با طالبان افغانستان دارد، توانسته است خود را با همان غنایم جنگی مسلح کند که جنگ‌جویان طالبان از آن کار می‌گیرند. با توجه به روابطی که بین دو جناح طالبان وجود دارد، طبیعی است که غنایم بین دو گروه همپیمان تقسیم شده و هیچ موضوع دیگری در میان نبوده است.

مقام‌های پاکستانی می‌گویند که تحریک طالبان پاکستان با اطمینان از چنین سلاح‌هایی در حملات خود علیه نیروهای امنیتی پاکستان در بخش‌هایی از خیبرپختون‌خواه از جمله مناطق قبیله‌ای ادغام شده، استفاده می‌کند. آن‌ها به این باورند که در اختیار داشتن چنین سلاح‌های پیشرفته چالش مهمی برای نیروهای امنیتی پاکستان در این مناطق ایجاد کرده است.

منابع امنیتی همچنین معتقدند که حمله ژوب «به‌وضوح نشان‌دهنده دخالت طرف افغان است.» در حالی که مسوولیت این حمله را یک گروه کمتر شناخته‌شده که خود را تحریک جهاد پاکستان می‌نامد، بر عهده گرفت، در میان محافل تحریک طالبان پاکستان در مورد صحت این ادعا سردرگمی وجود داشت.

اسد افزیدی که ریاست بخش تحریک طالبان پاکستان در دیره اسماعیل خان را بر عهده دارد، ادعای تحریک جهاد پاکستان را به چالش کشیده و اصرار داشت که تحریک طالبان پاکستان پشت این حمله بوده است. با این حال، این موضع به‌سرعت توسط محمد خراسانی، سخنگوی مرکزی تحریک طالبان پاکستان، رد شد. او با صدور بیانه‌ای ادعای

اظهارات سخنگوی طالبان افغان، بر موضع خود پافشاری کرد و گفت: «صرف نظر از این که طالبان اراده‌ای برای سرکوب و کنترل شبه‌نظامیان در داخل مرزهای افغانستان دارند یا خیر، پاکستان مصمم است تا از هر راه ممکن تروریسم را در خاک خود ریشه‌کن کند.»

خواست‌های طالبان

با توجه به این که پاکستان چه‌گونه به‌عنوان پل ارتباطی بین طالبان و جامعه بین‌المللی در حال حاضر کار می‌کند، «گفتار دوگانه» طالبان در مورد این موضوع شگفت‌آور است.

از زمان سقوط کابل در آگست ۲۰۲۱، اسلام‌آباد یکی از حامیان اصلی طالبان افغانستان بوده است؛ طوری که بلاول بوتو زرداری، وزیر امور خارجه، بارها به مجامع مختلف بین‌المللی گفته است که جهان باید به‌خاطر شهروندان افغانستان با طالبان تعامل داشته باشد.

در حالی که غرب به‌دنبال تحریم رژیم طالبان به‌دلیل نقض فاحش حقوق بشر به‌ویژه ممنوعیت تحصیل دختران بوده است، پاکستان از جامعه جهانی خواسته تا این مساله را از طریق تعامل و نه ترک کردن افغانستان، حل کند. اسلام‌آباد همچنین یک شریک کلیدی برای اقتصاد بیمار افغانستان است و بخش عمده‌ای از مواد غذایی و کمک‌های آن از طریق پاکستان ارسال می‌شود.

آصف خان درانی، فرستاده ویژه پاکستان در امور افغانستان، به‌تاریخ ۱۹ جولای به کابل سفر کرد تا با مقام‌های طالبان در مورد موضوعات مختلف بحث و گفت‌وگو کند. اما پیش از سفر، درانی به دان گفت که اسلام‌آباد از طالبان می‌خواهد که رهبران تحریک طالبان پاکستان را به این کشور تحویل دهند تا آن‌ها را به‌خاطر جنایات‌شان به‌دست عدالت بسپارند. او گفت: «آن‌ها نباید از خاک افغانستان علیه پاکستان استفاده کنند.» درانی همچنین مذاکره بیشتر با تحریک طالبان پاکستان را رد کرد و گفت که کشورش استفاده از این گزینه را به پایان رسانده است، چون نمی‌تواند نتیجه مثبتی داشته باشد.

سعید نذیر مهمند، تحلیل‌گر امور دفاعی و نظامی سابق، معتقد است که لحن شدید پیام فرماندهی نظامی برای کابل نشان‌دهنده تمایل به اقدام علیه تهدید تحریک طالبان پاکستان است، حتی اگر این به‌معنای حمله بر خاک افغانستان باشد.

او به دان گفت: «بیانیه ارتش نشان می‌دهد که پاکستان حمله را [با تاخیر] انجام نخواهد داد... ارتش اعلام کرده است که پاکستان هر اقدامی را که مناسب بداند، انجام خواهد داد.»

انتقام گرفتن در هر سطحی که لازم باشد، پیام روشن است. پاکستان همچنین این پیام را داده است که طالبان افغانستان نمی‌توانند با ما بازی کنند و اگر به این کار ادامه دهند، پاکستان در پاسخ دادن آزاد خواهد بود.

تحریک جهاد پاکستان را تایید کرد و آن را «یک سازمان برادر» خواند.

در پی این رفت‌وبرگشت، این تصور که تی‌تی‌پی از نام مستعار استفاده می‌کند تا از فشار فزاینده طالبان افغانستان بکاهد، تقویت شده است. در واقع، گفته می‌شود که ادعای اسد افزیدی باعث شرمساری رهبری تحریک طالبان پاکستان شده است و گفته می‌شود که در پی این اشتباه اطلاعاتی، او از سمتش برکنار شد.

موضع کابل و توافق دوحه

منابع در رژیم طالبان ادعا کردند که آن‌ها در حال اتخاذ تدابیری برای متوقف کردن جنگ‌جویان تحریک طالبان پاکستان هستند و اصرار داشتند که چنین گروه‌هایی می‌توانند در مناطق کوهستانی خوست، پکتیکا و کنر فعالیت کنند؛ مناطقی که ظاهراً حکم طالبان بر آن‌ها اعمال نمی‌شود. اما آگاهان از وضعیت میدانی می‌گویند که جنگ‌جویان تحریک طالبان پاکستان مانند سابق در رژیم اشرف غنی، خواهان پناه‌گاه نیستند. امروزه این جنگ‌جویان در شهرها و قصبه‌های اصلی افغانستان زنده‌گی می‌کنند و آزادانه از جایی به‌جای دیگر می‌روند. اما اداره کابل [طالبان] این موضوع را رد می‌کند.

یک روز پس از ابراز ناامیدی ارتش، خواجه‌محمد آصف، وزیر دفاع پاکستان، همچنین طالبان افغانستان را متهم کرد که به تعهدات خود در توافق‌نامه دوحه عمل نمی‌کنند و از خاک افغانستان علیه همسایه‌ها استفاده می‌شود.

ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان، اظهارات طرف پاکستانی را رد کرد و گفت: «ما به آن‌ها [تی‌تی‌پی] اجازه زنده‌گی و فعالیت در افغانستان را نمی‌دهیم. ما عواقب جنگ را دیده‌ایم و نمی‌خواهیم دیگران مانند افغانستان رنج ببرند.»

او در آخر هفته در مصاحبه با دان از مقام‌های پاکستانی خواست تا برای اثبات ادعای‌شان در مورد تی‌تی‌پی، شواهد را با طالبان افغان به اشتراک بگذارند.

مجاهد اما در یک مصاحبه جداگانه با بی‌بی‌سی پشتو، موضع تندتری اتخاذ کرد و گفت که پاکستان به‌جای بلندکردن انگشت انتقاد به‌سوی دیگران، مشکلات داخلی خود را حل کند.

سخنگوی طالبان به بی‌بی‌سی پشتو گفت: «این یک رویکرد ساده‌لوحانه برای انداختن تقصیر شکست‌های خود به گردن دیگران است.» او همچنین نسبت به استفاده پاکستان از زور در خاک افغانستان هشدار داد.

مجاهد همچنین استناد وزیر دفاع پاکستان به توافق‌نامه دوحه را رد کرده و گفته است که این توافق‌نامه بین طالبان و ایالات متحده آمریکا امضا شده است نه پاکستان. خواجه‌محمد آصف روز یکشنبه در واکنش به

۱- عنوان اصلی مقاله این است: چه‌گونه می‌توان مشکلی مانند کابل را حل کرد؟ منظور از کابل رژیم طالبان است. مترجم

ارتش سودان اعلام کرد که در پی سقوط یک هواپیمای غیرنظامی در این کشور، دست کم نه تن به شمول چهار نظامی جان باخته‌اند. این هواپیما روز یکشنبه، ۲۳ جولای، هنگام پرواز در فرودگاه «بورت سودان» سقوط کرده است. در اعلامیه ارتش سودان آمده است که یک کودک از این رویداد جان سالم به در برده است. دلیل سقوط این هواپیما مشکلات فنی عنوان شده است. این درحالی است که از سه ماه به این سو در سودان میان ارتش و نیروهای واکنش سریع آن کشور جنگ بر سر بدست آوردن قدرت جریان دارد. در این مدت، طرف‌های درگیر چندین بار بر سر آتش‌بس به توافق رسیدند، اما هر بار آن را نقض کردند.



شورای ناتو-اوکراین در هفته جاری درباره توافق نامه غلات برگزار می‌شود

ولادیمیر زلنسکی، رئیس جمهوری اوکراین اعلام کرد که قرار است، نشست شورای ناتو-اوکراین در هفته جاری برگزار شود.

قرار است این نشست روز چارشنبه، ۲۶ جولای، درباره خروج روسیه از توافق نامه غلات برگزار شود.

به گفته زلنسکی، این نشست از جمله رویدادهایی است که اوکراین در هفته آینده برای آن آماده می‌شود و حمایت از این کشور را تقویت خواهد کرد.

این خبر یک روز پس از آن منتشر شد که زلنسکی در تماسی با دبیرکل ناتو، خواستار نشست فوری با این سازمان شد و تاکید کرده بود که ناتو باید برای بحث در مورد



ادعای بلینکن: اوکراین ۵۰ درصد اراضی خود را از روسیه پس گرفته است

وزیر امور خارجه امریکا مدعی شده که اوکراین نیمی از اراضی را که روسیه در ابتدای جنگ به تصرف خود درآورده بود، بازپس گرفته است.

آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا روز یکشنبه، ۲۳ جولای، در گفت‌وگو با شبکه خبری سی‌ان‌ان گفته است: «در حال حاضر حدود ۵۰ درصد از آن چه در ابتدا تصرف شده بود، باز پس گرفته شده است.»

به گفته او، کی‌یف در بازپس گیری اراضی باقی مانده خود از روسیه «بدر بسیار سختی» پیش‌رو دارد.

وی افزوده است: «در روزهای نسبتاً اولیه ضدحمله هستیم که سخت است و نتیجه در یک یا دو هفته مشخص نخواهد شد؛ بلکه چندین ماه زمان خواهد برد.»

این سخنان در حالی بیان می‌شود که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه امروز در دیدار با الکساندر لوکاشنکو، رئیس‌جمهور بلاروس ضدحمله اوکراین را عملیات ناکام خواند.

توافق نامه انتقال غلات دریای سیاه را در ۲۲ جنوری ۲۰۲۲ طی مراسمی در استانبول امضا کردند.

این توافق نامه که پیش از این چندین بار تمدید شده بود، در ۱۷ جولای، سال جاری به پایان رسید و مقام‌های روسیه از تمدید آن خودداری کردند.

در حدود یکسال اجرای این توافق میلیون‌ها تن غله و محصول کشاورزی از طریق دریای سیاه و تنگه‌های ترکیه راهی بازارهای جهانی شد.

بحران ناشی از خروج روسیه از توافق نامه غلات دریای سیاه تشکیل جلسه دهد. رئیس جمهوری اوکراین اضافه کرد که ناتو باید در مورد گام‌هایی برای رفع مسدود شدن و تضمین عملکرد پایدار انتقال غلات تصمیم بگیرد.

گفتنی است شورای ناتو-اوکراین در اجلاس اخیر سران ناتو در پایتخت لیتوانیا ایجاد شد.

سازمان ملل، ترکیه، روسیه و اوکراین به منظور کاهش تاثیر حمله روسیه به اوکراین بر قیمت جهانی مواد غذایی،

ادامه ناآرامی‌ها در سومالیا؛ ۸۰ هزار تن به نایجریا بی جا شدند

مقام‌های نایجریا از ادامه ناآرامی‌ها در سومالیا خبر داده و می‌گویند که دست کم ۸۰ هزار تن از شهروندان آن کشور به نایجریا بی جا شده‌اند.

بربنیاد خبرگزاری فرانسه، مارکس ارتو، یکی از مقام‌های نایجریا روز یکشنبه، ۲۳ جولای، گفته است که افراد بی‌جا شده در ۱۱ کمپ که تحت کنترل حکومت نایجریا قرار دارند، به سر می‌برند. به گفته او، تنها ۱۸ هزار تن که

از خانه‌های شان بی‌جا شده‌اند، در یکی از مکاتب متوسطه به سر می‌برند. ادارات حالات اضطراری نایجریا کمک‌های اولیه‌شان را برای بی‌جا شده‌گان فراهم کرده‌اند، اما تا کنون آمار رسمی از این افراد در دست نیست.

اظهارات مقام‌های محلی نایجریا در حالی بیان شده است که حکومت آن کشور در مناطق ناآرام تجدید قوا کرده تا به این درگیری‌ها خاتمه دهد.

جنرال تاوید لاکباجا، رئیس ستاد ارتش نایجریا، به ایالت فلات سفر کرد و در آن‌جا از آغاز عملیات ویژه برای «ریشه کن کردن» بحران پرده برداشت.

ایالت فلات واقع در مناطق مرکزی شمالی نایجریا از ماه می سال جاری به این سو، گواه افزایش خشونت و حملات میان «گله‌دران عمدتاً مسلمان و دهقانان مسیحی» بوده است. مقامات محلی این ایالت می‌گویند که این خشونت‌ها سبب کشته شدن دست کم ۳۰۰ تن شده است.

نیروهای امنیتی نایجریا درگیر جنگ با تندروان اسلام‌گرا، باندهای تبهکار مسلح و جدایی طلبان نیز مواجه‌اند.

مقام‌های نایجریا از ادامه ناآرامی‌ها در سومالیا خبر داده و می‌گویند که دست کم ۸۰ هزار تن از شهروندان آن کشور به نایجریا بی جا شده‌اند.

بربنیاد خبرگزاری فرانسه، مارکس ارتو، یکی از مقام‌های نایجریا روز یکشنبه، ۲۳ جولای، گفته است که افراد بی‌جا شده در ۱۱ کمپ که تحت کنترل حکومت نایجریا قرار دارند، به سر می‌برند. به گفته او، تنها ۱۸ هزار تن که

از خانه‌های شان بی‌جا شده‌اند، در یکی از مکاتب متوسطه به سر می‌برند. ادارات حالات اضطراری نایجریا کمک‌های اولیه‌شان را برای بی‌جا شده‌گان فراهم کرده‌اند، اما تا کنون آمار رسمی از این افراد در دست نیست.

اظهارات مقام‌های محلی نایجریا در حالی بیان شده است که حکومت آن کشور در مناطق ناآرام تجدید قوا کرده تا به این درگیری‌ها خاتمه دهد.



رانش زمین در هند جان ۲۷ تن را گرفته است



در چهارمین روز از رانش زمین ناشی از باران‌های موسمی در هند، ۲۷ تن جان باخته و ۵۰ تا ۶۰ تن دیگر همچنان ناپدید هستند.

رسانه‌های هندی روز یکشنبه، ۲۳ جولای، گزارش داده‌اند که این رانش زمین در پی باران‌های موسمی در روستای ایرشالوادی به‌وقوع پیوسته است که حدود ۸۰ کیلومتر از شهر ممبی فاصله دارد.

طبق گزارش‌ها، چهار کودک در میان جان باخته‌گان شامل اند.

با این حال، ۱۷ خانه از میان ۴۸ خانه در این روستا زیر آوار مدفون شده است.

مقام‌ها در هند می‌گویند که پس از لغزش زمین در آن کشور، در عملیات نجات که در آن صدها تن اشتراک کرده‌اند.

دیپک اواد، یک مقام اداره پاسخگویی به حالات اضطراری هند گفته است که تیم‌های نجات از جبل و بیل برای پس کردن آوار کار می‌گیرند؛ زیرا به دلیل صعب‌العبور بودن این روستا، نمی‌توان وسایل عصری و سنگین ساختمانی را به آن‌جا انتقال داد.

این در حالی است که باران‌های موسمی در شمال هند در جریان سه هفته گذشته جان بیش از ۱۰۰ تن را گرفته است.

تفنگ‌داران ناشناس چهار تن از منسوبان پولیس ایران را کشتند



بربنیاد گزارش‌ها، چهار تن از منسوبان پولیس ایران در سیستان و بلوچستان توسط تفنگ‌داران ناشناس کشته شده‌اند.

تلویزیون دولتی ایران گزارش داده است که «گروهی از تندروان» در جنوب شرق این کشور روز یکشنبه، ۲۳ جولای، چهار منسوب پولیس شاهراه را به ضرب گلوله کشته‌اند.

طبق گزارش، مامورین پولیس در شاهراهی که شهرهای خاش و تفتان را در ولایت سیستان و بلوچستان به هم

وصل می‌کند، مصروف انجام وظایف روزمره بودند که «تروریست‌ها» بر آنان حمله کردند.

با این حال، خبرگزاری ایسنا بدون اشاره به کشته شدن نیروهای امنیتی ایران از بازداشت «گروه چهار نفره تروریستی» در جنوب شرق این کشور خبر داده است.

مسئولیت این رویداد را تا کنون گروهی به عهده نگرفته است. این در حالی است که در اوایل ماه روان میلادی گروه جیش‌العدل مسئولیت حمله بر حوزه ۱۶ پولیس ایران در زاهدان را به عهده گرفته بود.

اتحادیه جهانی علمای اسلام خواستار ممانعت توهین به ادیان از سوی سازمان ملل شد

اهانت به مقدسات مسلمانان که صلح جهانی را تهدید می‌کند، اتخاذ کند.

این اتحادیه از سازمان همکاری اسلامی خواست نشستی را درباره توهین به مقدسات برگزار و یک طرح راهبردی را برای ممانعت از تکرار آن تصویب کند.

این اتحادیه همچنان خواستار نشست سازمان همکاری اسلامی با دولت‌های غربی شده است.

اتحادیه جهانی علمای اسلام در این بیانیه بر لزوم سرمایه‌گذاری به‌روی روابط بین‌المللی، اقتصادی و

پس از چندین مورد توهین و هتک حرمت به مقدسات مسلمان در اروپا، اتحادیه جهانی علمای اسلام خواهان تصویب منشور ممانعت از توهین به ادیان از سوی سازمان ملل متحد شد.

خبرگزاری آناتولی روز یکشنبه، ۲۳ جولای، گزارش داده که اتحادیه جهانی علمای اسلام در بیانیه‌ای بعد از برگزاری نشست این اتحادیه در استانبول ترکیه با

سازمان‌های حقوقی، رسانه‌ای و پارلمانی اعلام کرده است که سازمان ملل باید تصمیم مناسبی را درباره

سازمان ملل متحد شد.

سازمان ملل متحد شد.